



چرا به توسعه مطلوب بمان نمی‌رسیم؟

محسن خلیلی
کنفدراسیون صنعت ایران

همایش‌های علمی - تخصصی صنعت و معدن

مرداد ۱۳۸۲

گذری بر موانع عملی توسعه

گله معروف کشور برای من چه کرده و پاسخ تو برای کشورت چه کرده‌ای؟ با مفهومی مشابه توسط بسیاری از رهبران خطاب به مردم ابراز شده است.

توسعه عاملی است که پایه‌های سیاسی فرهنگی اقتصادی دارد و عملکرد، دیدگاه‌ها و رفتار تمامی جامعه بر آن تأثیر می‌گذارد و فراگردی همه‌جانبه است ما مدیران در فرآیند توسعه سهمی شایان توجه داریم که در آن دیدگاه‌ها و تفکرات و آرزوها و عادات و رفتار و آگاهی‌هایمان اثر تعیین‌کننده دارد.

ارتقاء توانمندی‌های ما مدیران در راه تکامل تخصص‌های خود و فراگیری علم و دانش روز، مانند ایجاد شاهراه‌ها و طرق ارتباطی و تسهیلات زیربنایی که مبادلات مادی و فیزیکی را امکان‌پذیر می‌سازد، نقشی اساسی دارد و می‌تواند توسعه اقتصادی را که مورد نظر ما است عملی سازد.

در ارتباط با مسائل اقتصادی کشور همیشه با شاخص‌های قابل رویت در سطح چون نرخ ارز و تورم برخورد می‌نماییم و عملاً عوامل ریشه‌ای که بیانگر مسائل بسیار پیچیده‌ای در بطن نظام اقتصادی هستند از نظرمان دور می‌ماند. هرگاه که فعل و انفعالات داخلی بسیار پر قدرت اقتصادی در عمق و بطن نظام اقتصادی به عملکرد خود ادامه دهد و به دلالتی نیز تشدید شود، آنگاه در ظاهر و سطح نظام اقتصادی نیز علائم و بیانگرهایی بروز می‌کنند که توسط عموم قابل مشاهده می‌گردد. در چنین حالتی عامه مردم از خود می‌پرسند چرا به توسعه مطلوبمان نمی‌رسیم و پیوسته به افراد زیر خط فقر افزوده می‌شود.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران با ثبات‌ترین، پرجمعیت‌ترین و از لحاظ نظامی قویترین کشور منطقه محسوب می‌شود بنابراین منطقی است که این کشور به مرکز مالی منطقه تبدیل گردد که متأسفانه خلاف آن به وقوع پیوسته است.

انضباط مالی، کوچک شدن دستگاه‌های دولتی، اعمال صرفه‌جویی، حذف طرح‌های فاقد توجیه اقتصادی، مانند تعطیلی کارخانه‌های زیان‌ده و یا تجدید ساختار آنها باید صورت گیرد که متأسفانه در اعمال این چنین موارد سعی موثر و اقدام اساسی صورت نمی‌پذیرد.

برای توسعه باید با دنیا روابط تجاری موثر داشت. بهبود کیفیت و افزایش کارایی صنایع داخلی و پیشرفت تکنولوژی در تعامل با بازارهای خارجی حاصل می‌گردد. اینگونه مسئولیت‌ها به نحو مطلوب از سوی دولت ایفاء نمی‌گردد و ما را از توسعه پایدار و پویا دور می‌سازد. در این بررسی به برخی علل و راه‌کارها اشاره می‌نماییم:

تحول در رفتار انسان‌ها یکی از پیش شرط‌های اساسی توسعه است

در فرآیند توسعه، شخصیت، ذهنیت و الگوهای رفتاری انسانها باید دچار تحول شود. مجموعه این تحولات باعث پدیدار شدن انسانی می‌شود که به بهترین وجه قادر است در جامعه‌ای پیچیده و در حال تحول، از عهده نقش‌هایی که به او محول می‌شود، برآید. این تحول یا ویژگی‌ها را می‌توان در متن زیر توصیف کرد:

انسان توسعه یافته صنعتی شکل‌گرا یا به عبارتی انسان دارای فرهنگ صنعتی، انسانی است که آن دسته از صفات، مهارت‌ها، شایستگی‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های تفکر و الگوهای رفتاری را دارا باشد که برای فعالیت کارا و اثربخش در نظام پیچیده جامعه صنعتی مناسب است.

هر برنامه آموزشی در دراز مدت باید تلاش کند تا افراد جامعه را در جهتی سوق دهد که نهایتاً این ویژگی‌ها را دارا شوند. در غیر این صورت نه برنامه توسعه اجتماعی جامعه موفق خواهد شد، و نه آن برنامه آموزشی خاص اثربخشی خواهد داشت.

این ویژگی‌ها برای تمام سطوح جامعه ضروری است. البته باید توجه داشت که مجموعه آنهاست که به تغییر رفتار می‌انجامد و همانطور که مشاهده خواهد شد، با یکدیگر همبستگی درونی داشته و مجموعه‌ای بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند. برخی از این ویژگی‌ها شامل مواردی می‌باشد که در

مبحث جداگانه‌ای تحت نظرانی پیرامون تشکل‌های صنعتی و جایگاه اخلاق حرفه‌ای در ساختار و کارکرد آن برای بزرگداشت روز صنعت ۱۳۸۲ تدوین و بچاپ رسیده است.

ضمن توصیه مطالعه مجلد فوق اکنون با عنایت به اشاره به ویژگی رفتاری انسان‌ها در فرآیند توسعه به فهرست عوارض مدیریت که تحقق توسعه کشور ما را با دشواری روبرو می‌سازد، اشاره می‌نماییم.

عوارض ذهنی و فکری مدیران واحدهای تولیدی و خدماتی که می‌تواند وقوع توسعه را با دشواری روبرو سازد

- عدم احساس وابستگی ملی و همکاری مجدانه در راه تحقق آرمان‌های ملی و نیل به اهداف کلان اقتصادی.
- کم آگاهی از اثر نقش توسعه اقتصادی جامعه بر شکوفایی اقتصاد در سطح خرد و واحدهای تولیدی.
- عدم احساس نقش و اهمیت در مقیاس کلان و در نتیجه احساس بی‌هویتی در سطح کلان.^۱
- عدم تمایل به پرداخت مالیات و مشارکت در تأمین هزینه‌های ملی.
- کم‌توجهی به خواسته‌های مشتری و بی‌اعتنایی به نقش کلیدی مشتری که در یک اقتصاد سالم، تعیین‌کننده سرنوشت بازار است.
- عدم بهره‌جویی از آمار و اطلاعات و بی‌اعتنایی نسبت به تولید آمار و اطلاعات صحیح و به موقع و نشر آن.
- بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی نسبت به بخش عمومی و عدم احساس همدلی با دولت و مدیران دولتی و اجتناب از همکاری مجدانه به صورت ارائه اطلاعات و تعامل فکری.

- عدم درک اهمیت توسعه و کوشش نکردن در ایجاد محیط توسعه‌آفرین در درون واحدها.
- عدم کوشش در راه‌حلیابی برای صرفه‌جویی در مصرف منابع پایان‌پذیر و حفظ محیط زیست.
- کم‌آگاهی از پیشرفت‌های علمی، تکنولوژیکی و تأثیر و نقش آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی.
- فقدان علاقه به مسائل اقتصادی - سیاسی - اجتماعی در مقیاس جهانی و کسب جهان‌بینی.
- عدم استفاده از علوم کاربردی و کوشش در استفاده از آن برای بهبود مدیریت و تولید و نادیده انگاشتن همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی.
- بی‌اطلاعی از راه‌های افزایش ارزش و درآمد خارج از حوزه تولید فیزیکی کالا. کم‌اعتنایی به تجارت و داد و ستد کالاها و خدمات، تکنولوژی و خدماتی فنی و مهندسی در سطح ملی و بین‌المللی.
- بی‌میلی نسبت به کارجمعی، ایجاد تشکل و فعالیت برمحور منافع جمعی و مشترک.
- نادیده انگاشتن گردآوری و تدوین تجربه‌ها و انتقال یافته‌های تجربی از نسلی به نسل بعد.
- بی‌توجهی به ضرورت حفظ و تداوم فعالیت واحد تولیدی از راه جانشین‌پروری، اتخاذ روابط پرجاذبه اجتماعی که جمع شدن کادر دلباخته و وفادار کارکنان را بصورت یک خانواده، ممکن سازد.

چگونگی و روند تاریخی دستیابی غرب به توسعه اقتصادی

شرایط زندگی مردم در اروپا تا آخر قرون وسطی (حدود ۱۳۰۰ میلادی) بیشتر حالت رکود و سکون داشت، سازمان اداری و سیاسی تحت کنترل زمین‌داران و فئودال‌ها قرار داشت اما در آستانه قرن

^۱ - شکل مطلوب اقتصاد که در پی اجراء آن هستیم، اقتصاد آزاد است که در آن کارگزاران خصوصی عهده‌دار فعالیت‌های کارفرمایی می‌شوند و کارگزاران دولتی عملیات حکومتی را می‌پذیرند هر دو گروه کارگزاران باید در چهارچوب قانون و بصورت شفاف عمل کنند. خطوط ارتباطی بین دو گروه کارگزاران توسط واسطه‌های مستقل کنترل و تنظیم می‌شوند.

شانزدهم، اروپا از ویژگی‌های خاصی خود برخوردار شد، که در آن قدرت صنعتی و تجاری و تلاش و کوشش برای کشف مجهولات عبادت به حساب آمد.

مطالعه تاریخ دوره پانصد ساله و قرون ۱۳ تا ۱۶ اروپا ما را به شناخت تحولات روی داده هدایت می‌کند، فرصت‌های تازه برای مبادلات خدمات و کالا که از دوره جنگ‌های صلیبی و تهاجم اروپائیان به خاورمیانه برای دفاع از بیت‌المقدس ایجاد شده بود شدیداً تقویت گردید.

طبقه سوداگر ظهور کرد، نیاز به تولید احساس شد، افزایش نقدینگی (پول و طلا) از محل دفینه‌های کلیساها و اشراف در راه دفاع از مسیحیت و بیت‌المقدس در مقابل اسلام صورت گرفت. انتقال علوم و تکنولوژی کشورهای اسلامی و کتب و آثار باقیمانده از یونان و روم قدیم از خاورمیانه به کشورهای اروپایی و ترجمه این کتب از عربی، عبری و فارسی به لاتین و دیگر زبان‌های اروپایی تحقق یافت. اولین شبکه‌های حمل و نقل زمینی - راه‌ها - پل‌ها، کانال‌ها بسوی بنادر و شهرها و مراکز تجاری احداث شد.

اولین مراکز تولید و کارگاه‌های اولیه صنعتی با پول سوداگران و نیروی کار فراری از سرزمین‌های فتودالی ایجاد شد، طبقه متوسط مردم شهرنشین (بورژوا) که نمی‌خواستند دیگر تابع فتودال و زمین داران باشند متولد شد.

اتفاقات اشاره رفته دو اثر بر اروپا برجا گذاشت:

۱. تأمین آزادی عقاید مذهبی و ظهور نهضت پروتستان که نجات از تسلط کلیسا و تحمیلات آن را ممکن ساخت.

۲. دموکراتیزه شدن شکل حکومت یعنی انتخابی شدن و موقتی بودن مدت تسلط مقامات مسئول و پاسخگو بودن آنها به رأی‌دهندگان.

این دو تحول بستر تحول سوم یعنی انقلاب صنعتی را (۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰) آماده ساخت.

با تغییر ارزش‌های اجتماعی، پیدایش حکومت‌های ملی که وظیفه‌دار حفظ و دفاع از منافع سوداگران بودند ممکن گردید.

آنچه تحقق انقلاب علمی صنعتی را واقعیت بخشید تغییر در نگرش‌ها و اندیشه‌های مردم جوامع اروپایی مخصوصاً تغییر در معتقدات آنها درباره زندگی، کار، طبقه، تعلقات گروهی و اجتماعی انسان بوده است.

کالون در قرن شانزدهم کار را کوشش و تعقیب منافع شخصی و گردآوری ثروت را بهترین راه دوری از گناه و در حکم عبادت خداوند نامید، فرانسیس بیکن در قرن هجدهم اعلام کرد اگر انسان توانمندی‌های خود را معطوف ماده و کره خاکی کند نتیجه مطلوب‌تری بدست می‌آورد. ولتر به مردم آموخت که تنها راه نجیب و شریف شدن انسان‌ها یادگیری کارهای مولد است. در سایه چنین تعالیمی مردم غرب نه تنها در علوم و فنون انقلاب ایجاد کردند و کلیه قانونمندی‌های جهان هستی را کشف کردند بلکه بیشتر کره خاکی و کشورها را تحت تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی خود آوردند.

بررسی تحولات اجتماعی - اقتصادی و علمی پانصدساله غرب، بطور خلاصه نشان می‌دهد توسعه اجتماعی اقتصادی - صنعتی حاصل تحولات زیر بوده است:

- کاهش عوامل بازدارنده تعقیب منافع شخصی
- پیدایش روزافزون افراد جسور و فعال به نام سوداگر
- ابداع معتقدات جدید برای اصالت دادن به روحیه و خلق و خوی ثروت طلبی
- حاکم‌سازی عقل و منطق و واقع بینی و اجتناب از تخیل گرایی
- کشف معجزه علوم و فنون، در ازدیاد تولید
- سازمان دادن فعالیت‌های اقتصادی در قالب شخصیت حقوقی مستقل از خانواده
- نقش یافتن دولت‌ها در اقتصاد

مختصات فرهنگ اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه برخی از محققان

کمبود آب، زندگی قبیله‌ای و صحرانشینی زندگی مردم فلات ایران را به همان صورت اولیه مداومت بخشیده است و سبب گردیده که کانون‌های زندگی و حکومت‌های متمرکز و پر قدرت با دخالت زیاد در زندگی اقتصادی مردم در این سرزمین شکل گیرد.

مجموع قیام ترک و تئاتر و ازبک و مغول به فلات ایران در هزاره اخیر، باعث رواج حکومت‌های ملوک الطوائفی و عدم ثبات سیاسی در کل کشور گردید و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی سستی به سبب مداخلات بیش از حد دولتهای محلی در تعلیمی شیوات زندگی مردم، دچار رکود و سکون شد.

تاریخ ایران همواره شاهد ظلم و ستمگری‌های حکمرانان بوده و طبقه سوادگر و حتی مردم عادی پیوسته در اضطراب و نگرانی زندگی کرده‌اند.

بررسی تاریخ تحولات پانصدساله اخیر کشور نشان می‌دهد که کوشش‌های سلسله‌های مغویه، افشاریه، زندیه، قاجار به تا آغاز قرن بیستم هرگز معطوف به شناخت عقل و عوامل پیشرفت و ترقی سریع دنیای غرب نبوده است.

فرهنگ رایج در جامعه ایران در قرن ۱۸ بر پایه حمایت از یک ستمگر و جانشین نمودن او و سببه ستمگری دیگر ریخته شده بود. در زمانی که وزیر دانیایی مانند قائم مقام بدست محمدرضا قاجار و به تحریک انگلیس و با امیرکبیر به تحریک انگلیس‌ها و نوطنه مادر ناصرالدین شاه در حمام فین کاشان کشته شد، در اروپا نیچه، اگوست کنت و مارکس و بسیاری از فلاسفه دیگر ظهور نمودند. سلاطین قاجار به ضمن آنکه تاریکی و ظلمت را به ایران تحمیل کردند نبره‌های ابدی چون قائم مقام و امیرکبیر را خاموش کردند.

امیرکبیر واردات علم و آگاهی را شروع کرد ولی پس از او در زمینه علم و آگاهی برای پنجاه سال اقدام موثری انجام نشد.

امروزه مدیر تحصیلکرده ایرانی از آنجا موفق نیست که از ویژگی‌های روانی شخصی مورد نیاز جامعه در حال توسعه اقتصادی برخوردار نبوده و از تخصص‌های مدیریت بنگاه اقتصادی پیشرفته جهان موفق بهره کافی ندارد در حالیکه اقتصاد و توسعه اقتصادی یکی از ابعاد و آئینه تحول اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در دنیای غرب بوده است.

پیشرفت‌های مادی و معنوی ربط متقابل و مستقیم دارند. متأسفانه ما در انتقال علوم بدون توجه به قالب‌های اجتماعی و آماده کردن آن برای انتقال علوم اقدام نمودیم. در اروپا پیشرفت‌های علمی همیشه همراه تحولات اجتماعی انجام گرفت و در پاره‌ای موارد حاصل آن بود. در اروپا ده سال قبل از سقوط شاه سلطان حسین، ماشین بخار اختراع شده بود. به قول شاردن ایرانیان علاقه به دلالی دارند و زحمتی برای تولید به خود نمی‌دهند. بی‌علاقگی به تولید و عشق به مصرف، بی نصیب ماندن از قدرت اقتصادی است، در پانصد سال اخیر ما در قبال بهره‌جویی از ماشین، تمایل مصرف را بر تولید برتر دانسته‌ایم. امروز پس از پنجاه سال کسب تجربه اقتصادی - صنعتی درک کرده ایم که توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی عمیقاً به صنعتی شدن کشور مرتبط است و بی‌شک تحقق تحول صنعتی می‌تواند موجب توسعه کشور باشد.

تقابل دولت با نهاد بازار یا مانعی اساسی در برابر توسعه

برنامه‌های پیش‌بینی شده در تعدیل اقتصادی (برنامه اول) به دلایل مختلف آنچنان که باید عملی نشد و بسیاری از مشکلات کشور از آنجا ناشی گردید. در دوره چهارم قانون‌گذاری این ایده مطرح شد که شاید مسائل اقتصادی کشور ناشی از اجراء سیاست‌های تعدیل اقتصادی است این ایده ناشی از عدم توجه به واقعیت‌های اقتصادی کشور بود. چنین مطرح می‌شد که دولت عامل ایجاد گرانی است چرا که در شورای اقتصاد با برخی افزایش نرخ خدمات دولتی موافقت می‌کرد. در حالی که خدمات در خط مقدم بروز تورم حاصل از ازدیاد نقدینگی نبوده بلکه تورم به آنها تحمیل می‌گردید. بعضاً عنوان می‌شد گرانی ناشی از توطئه فروشندگان است و پیوسته برخورد با فروشندگان به رسم عوامل ایجاد گرانی برخورد می‌شد. هرگز عنوان نگردید که علل گرانی ناشی از افزایش سالانه ۲۰ تا ۳۰ درصد نقدینگی است.

در این دوره تصور می‌شد ارتقاء نرخ ارز به دلالت و صادرکنندگان مرتبط است درحالی‌که تقلیل ارزش صادرات نفت موجب این اشکال اساسی بود.

دولت حرکت‌هایی در جهت معکوس با تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۷۲ ایجاد نمود که درخور بررسی می‌باشد.

مسلماً ایجاد تغییر در متغیرهای اصلی اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری - تولید ملی - بهبود نظام مالیاتی و سازماندهی بخش عمومی و مدیریت و کنترل هزینه‌ها، تسهیل تجارت خارجی و داخلی و دیگر موارد می‌تواند بر نمودهای ظاهری مانند تورم قیمت‌ها و نرخ ارز تأثیر گذارد ولی متأسفانه عکس این امر مقدور نیست، تلاش سازمانی برای کاهش قیمت‌ها هرگز اثر مطلوب دربر نداشته و دخالت‌های موردی در بازار جز اثرات کوتاه مدت نتایجی به دست نداده است و شواهد آماری عدیده‌ای بر این مدعا قابل ارائه می‌باشد.

یا باید از طریق تولید پاسخگوی نیاز جامعه بود و یا از طریق تجارت خارجی. راه میانبر دیگری وجود ندارد و شیوه‌های تعزیری و کنترل و اعمال فشار و اقدامات اداری بی‌حاصل است.

این اعتقاد که قیمت آب، برق و فرآورده‌های نفتی، گاز، بلیط هواپیما، بلیط راه‌آهن و مخابرات و ... بایستی پایین نگاه داشته شود و کمبود هزینه‌ها در چنین مواردی از منابع بانکی تأمین گردد موجب رشد نقدینگی و تورم شده و خلاصه نقض غرض می‌شود. مادام که رشد نقدینگی ادامه دارد تورم به موازات آن ادامه می‌یابد.

اینکه بانک مرکزی برای کسر بودجه دولت وادار به ایجاد پول جدید شود کار بسیار ساده ایست لیکن پاسخگویی به پی آمدهای تورمی کار دشواری خواهد بود.

دولت سه نوع وظیفه عهده دار شده است:

۱. وظیفه کارگزاری ملت - بهره برداری از نفت و گاز، سایر منابع طبیعی را بعهدہ گرفته و از ثروت ملی بهره‌برداری می‌کند باید سهم نسل‌های آینده را به اقتصاد کشور بازگرداند.

۲. وظیفه کارفرمایی در مواردی که ماهیت فعالیت اقتصادی آنقدر گسترده است که بخش خصوصی توان انجام آن را نداشته باشد.

۳. وظیفه حکومتی - وظیفه دولت انجام خدمات اجتماعی، دفاع و فراهم آوردن حداقل معیشت برای مردم و هر قدر نظرات جامعه‌گرایی بیشتر باشد دولت به همان اندازه مجاز به دریافت مالیات است.

در رفتار دولت با نهاد بازار باید تحولات اساسی ایجاد گردد، توجه اساسی به نهاد بازار و تسلیم اقتصاد بازار شدن اجتناب‌ناپذیر است.

نهاد بازار مفهومی علمی و تاریخی دارد. دخالت دولت در این نهاد باید حداقل باشد و یک سیستم حقوقی چگونگی این دخالت را تعریف کند. دولت بر این اعتقاد است که خود مدافع و حافظ منافع عامه می‌باشد و بازار منافع شخصی را تعقیب می‌نماید، لذا دولت با توجیه اعمال عدالت اجتماعی خود را محق دخالت در امر بازار می‌داند، که باید بگونه‌ای حد این دخالت تعریف و مشخص گردد. رابطه دولت با بازار همیشه رابطه اکثریت با اقلیت است چرا که دولت نتیجه نیروهای اجتماعی است و هنگامیکه دولت حقوق طبیعی بازار را محترم نمی‌شمارد عملاً از بازار سلب اعتماد می‌نماید و بازار بخوبی آگاه است که دولت با وضع یک قانون براهتی ضوابط حاکم بر نظام بازار را درهم می‌ریزد.

هنگامیکه دولت در نهایت قدرت است، بازار در نازلترین شرایط قرار دارد. دولت هنگامی بازار را محترم می‌شمارد که ورای درآمدهای ارزی خود از طریق وصول مالیات به بازار نیازمند باشد. خصوصی‌سازی بدان معنا نیست که دولت ته مانده درآمد اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار نماید، حال آنکه برای حصول نتیجه ضروریست دولت کنترل منابع اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار نموده و از تصدی‌گری دست بردارد. خصوصی‌سازی به تغییر ساختار قدرت دولت می‌انجامد، به نحوی که دیگر قادر نخواهد بود چون سال ۱۳۷۳ یکباره شرکت‌های دولتی را از ۵۳۵ شرکت به ۷۱۳ شرکت برساند در حالیکه خصوصی‌سازی هر یک از چنین شرکت‌هایی ماه‌ها بطول می‌انجامد.

خصوصی سازی یعنی تفسیر مؤلفه دولت. بی تردید برازنده نیست که فشار و بحران در امر تصمیم‌سازی و آینده نگری جانشین دوراندیشی و برنامه ریزی گردد. چرا که ضرورت‌های تاریخی شاهد درایت دنگ شیائوپینگ امر تحول چین و بی‌تدبیری مقامات روسی در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده است.

حقوق مالکیت فردی است ولی توان دولت جمعی و حقوق مالکیت زائیده توان بازار است. شاید در اشتباه باشیم که حقوق مالکیت را دولت تعیین نماید چرا که ارتقاء فرهنگ بازار به حقوق مالکیت منتهی می‌گردد و شاهد مثال آن مالکیت معنوی است شاید بجا باشد که عنوان شود حق گرفتنی است و نه دادنی.

اکنون به نظراتی اشاره می‌شود که در کشورهای نو صنعتی شده به حاکمیت اقتصاد بازار

منتهی گردیده است:

- فراهم نمودن نیروی کار ماهر برای جامعه.
- بکارگیری صحیح علم اقتصاد.
- توسعه صنعتی بر مبنای تشویق صادرات کالاهای صنعتی.
- سرمایه‌گذاری‌های بسیار مولد.
- تجمع سرمایه.
- عنایت به علوم انسانی و علوم اجتماعی و علوم پایه.
- اعتقاد به پس‌اندازهای کوچک.
- عنایت جدی دولت به طرز عملکردها و نتایج حاصله.
- توجه جدی دولت به ایجاد اشتغال بجای اصرار در تعیین حداقل دستمزد.
- مرتبط ساختن مزد به بازدهی و تقاضای بازار.
- هدایت و تخصیص اعتبارات بر مبنای عملکردها.
- ارتقاء رشد، کارایی، بازده با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های برتر.
- توجه صنایع پیشرفته و برتر.
- تکیه نمودن دولت بر بخش خصوصی.
- تبلیغ این واقعیت که همه از مزایای رشد بهره می‌گیرند.
- مدیریت مسئولانه اقتصاد کلان، نرخ پایین تورم و کسر بودجه، پیدا شدن نرخ‌های پس‌انداز استثنایی.

- برقراری کانال‌های ارتباطی دولت و بخش خصوصی از طریق تشکل‌ها.
- همه افراد جامعه باید از مزایای رشد و توسعه برخوردار شوند.
- وحدت نظر و عمل دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های کارگری و استفاده از مکانیزم‌های بسیار سنجیده در جهت اهداف ملی توسعه.
- عرضه نیروی کار کارگران به بخش‌های اقتصاد.
- سازماندهی دولت با افرادی کارآمد و هدفمند.
- بی‌نظری سیاسی و تعهد به منافع ملی.
- همه مسئولین از ابتدا می‌دانسته‌اند که برای امور مربوط به خود باید حساب پس بدهند و افکار عمومی قاضی و ناظر آنها بوده است.
- ایجاد مکانیزم‌های تکیه بر منابع قطعی برای از بین بردن کسری بودجه دولت.

تصدی گری دولت باعث سقوط بهره وری و بزرگترین لطمه به اقتصاد ملی است

وقتی علاقه وافر به لحاظ گفتاری و کرداری به اقدامات زیربنایی نشان می‌دهیم بدان مفهوم است که با توسعه موافقت داریم ولی متأسفانه در عمل غالب ملزومات اقتصادی را نقص می‌کنیم.

در مناطقی که صاحب جمعیت روبه رشد و نابسامانی زیست محیطی می‌باشد کسب و کار پا نمی‌گیرد و موفق نمی‌شود لذا باید برابر یک استراتژی کارساز نشأت گرفته از تجارب کشورهای موفق به یک سلسله اقدامات اساسی متوسل شد.

باید رهبران سیاسی جامعه واقعاً ابعاد و معنی توسعه را درک کنند. شناخته شدن رهبران سیاسی و اجتماعی به عنوان پرچمدار و حامی توسعه علاوه بر تقویت روحی توسعه خواهان و فعالان اجتماعی در برچیدن موانع و سدهای اجتماعی و اداری بسیاری موثر است. می‌جی امپراطور ژاپن و سوهارتو رئیس جمهوری اندونزی تاکنون دو نمونه از این رهبران بوده‌اند.

هرگاه بنگاه‌های اقتصادی و دولت‌ها به استعدادهای انسانی و وضع زندگی مردم توجه داشته باشند، می‌توان در انتظار چشم‌انداز فردای بهتری بود.

خط مشی‌های نادرست و عجولانه اثرات منفی خود را معمولاً در زمان کوتاهی نشان می‌دهند. خط‌مشی‌های سازنده اثرات تدریجی داشته و به مرور زمان آثار خود را آشکار می‌سازد. متأسفانه این دانش همگانی در مورد اقتصاد کلان کشور اغماض می‌شود.

دولت بزرگ ما از بودجه‌ای در حد ۷۰٪ GDP برخوردار است و عملاً تمایل به کوچک شدن هم ندارد.

خصوصی‌سازی را نمی‌توان به هزینه بخش خصوصی کوچک و فقیر و بشدت آسیب‌دیده امکان‌پذیر ساخت، که اکنون به برخی از مشکلات پیش روی دولت و اقتصاد کشور اشاره می‌گردد.

ارزش‌های ثابت مجموع ۸۱۹ شرکت حسابرسی شده در دفاتر آنها ۹۰/۸ هزار میلیارد ریال ثبت شده، یک سوم محصول ناخالص داخلی کشور است. این‌ها به ارزش جاری سال ۱۳۷۶ تعدیل شود به یقین مقدار آن حتی از ارزش محصول ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۷۶ پافراتر خواهد گذاشت. وقتی میزان نقدینگی کشور که در سال اشاره شده ۱۳۴ هزار میلیارد ریال است غیرقابل خرید بودن این مجموعه در کوتاه مدت بوضوح روشن می‌شود.

درآمد مجموعه ۸۱۹ شرکت حسابرسی شده ۷۰ هزار میلیارد ریال است این رقم ۲۵٪ محصول ناخالص داخلی سال ۱۳۷۶ است. اگر تغییر نظام اداری این مجموعه بتواند فقط ۱۰ درصد بر درآمد بیفزاید محصول ناخالص داخلی به میزان ۲/۵ درصد افزایش می‌یابد.

بررسی گذشته بیانگر این واقعیت است که وضعیت مالی شرکت‌های تحت پوشش وزارتخانه‌ها به مراتب بدتر از شرکت‌های تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سایر سازمان‌های دولتی بوده است.

به دشواری می‌توان توجیهی یافت که ارتباط بین این فعالیت‌ها و وظایف حکومتی را مشخص نماید، بنابراین به نظر می‌رسد که بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع مالی بودجه به کارهایی تخصیص می‌یابد که خارج از چارچوب وظایف حکومتی دولت است.

گذار به سرمایه‌داری صنعتی مرز توسعه و عقب‌ماندگی جوامع از جمله ایران را تعیین می‌کند. نوسازی به منابعی نیاز دارد که شاید این منابع را نتوان از درون اقتصاد ملی تأمین کرد. این منابع عبارتند از منابع انسانی کارآمد و منابع مالی بویژه ارزی.

صنایع ناموفق دورمانده از فن آوری روز و مدیریت کارآمد و نیازمند به نقدینگی اعم از دولتی و خصوصی را می‌توان با توسل به خصوصی‌سازی یا با روش‌هایی از قبیل توانمندسازی از نوع ظایف "سازمان گسترش و نوسازی ایران" یا روش‌های ترکیبی تقویت و حمایت نماییم و تجدید ساختار و تغییر عملکرد و مهندسی مجدد اینگونه سازمان‌ها را سرعت بیشتری بخشیم.

طرح نوسازی صنایع کشور، اقدام ارزنده و مفیدی است که می‌باید دیگر حوزه‌های صنعت کشور به ویژه نفت، نیرو و همچنین کشاورزی را در برگیرد.

لازم است دولت برای توفیق لایحه نوسازی علاوه بر تعیین، انواع سیاست‌های ارزی، پولی، بودجه‌ای، مالیاتی، گمرکی - قانون‌گذاری - قیمتی، درآمدی - تولیدی و عمومی، ماهیت رفتار خود را برای دوره نوسازی مشخص نماید.

تشکل‌های اقتصادی - صنعتی می‌توانند در فرآیند توسعه بهترین یار دولت باشند

برای صنعتی شدن کشور و تقویت بخش خصوصی نیاز به توانمندسازی صنعت خصوصی برای همکاری با دولت در زمینه تعیین سیاست و ایجاد خلاقیت و هدف‌گزین‌ها داریم، تنها نظامی که می‌تواند این وظیفه را ایفاء نماید گسترش تشکل‌های اقتصادی ایجاد شده توسط خود صنعت است که این شیوه محوری‌ترین روش حفظ و ارتقاء صنعت موجود است.

سازمان‌های غیر دولتی فعال در عرصه اجتماعی - اقتصادی را امروز تحت عنوان تشکل‌های داوطلب صنفی، اقتصادی یا صنعتی می‌شناسیم که با روش مسالمت‌آمیز به پیگیری اهداف مشترک در هویتی جمعی و وحدتی قابل تشخیص تحت عنوان تشکل‌های غیردولتی به سازماندهی می‌پردازند.

نگاهی به رشد این سازمان‌ها از اهمیت و جایگاه آنان در ساماندهی امور مردم خبر می‌دهد و بعنوان حلقه‌های رابط بین مردم و دولت عمل می‌کنند.

هم اکنون تعداد سازمان‌های غیردولتی که در سطوح محلی و ملی در سطح جهان فعالیت می‌کنند از سه میلیون فراتر رفته. این سازمان‌ها یاران اصلی توسعه به شمار می‌آیند.

مدیریت و توسعه

یکی از اساسی‌ترین پیش نیازها توجه به امر مدیریت است که نیازمند به انتخاب مدیران برحسب ضوابطی چون کارآیی و رشد تدریجی و تصفیه شدن نیروی نامناسب انسانی و کسب مهارت‌های آموزشی و اعتقاد به تحول و نظامات پذیرفته شده مدرن جهانی می‌باشد.

متخصصین بر این باورند که ضعف در روش‌های مدیریت و عدم کارآیی مدیران ایرانی از جمله دلایل اصلی عدم توفیق در رسیدن به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بوده است. علیرغم انتقادهای مکرر از کارآیی نداشتن روش‌های مدیریت رایج در ایران و علیرغم اهمیت جهانی تحقیق علمی به منظور بررسی ویژگی‌های مدیران ایرانی و لزوم مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف آنها، متأسفانه تا کنون تحقیق تجربی جامعی در مورد مدیران ایرانی به عمل نیامده است، که انجام یک تحقیق و بررسی اساسی در این زمینه اقدامی الزامی است.

سخن آخر

در هر منطقی که ضرورت ایجاد کند، بخش خصوصی - بالاخص صنعت، قربانی می‌شود و این بخش در مقابل مصوبات و اوامر دولت که به زیان این بخش اقتصادی است بناچار تسلیم می‌شود. بخش خصوصی در را خدمت به توسعه اقتصادی کشور و تعامل دولت و بالاخص وزارت محترم صنایع طی دو سال تحقیق و بررسی راه‌کارهای توسعه صنعت کشور را در ۶۵۰ صفحه تهیه و به مناسبت روز صنعت تیرماه ۱۳۸۲ نشر و در اختیار علاقمندان قرار داده است.

اینک نتیجه بخش پنجم آن که مفید به مقاصد مندرج در این کتابچه است (بررسی و مطالعات تطبیقی راه کارهای توسعه صنعتی) به رسم مقوله پایانی از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

تجربه اقتصادی صنعتی ۱۶ کشور موفق با ساکلین در حد نیمی از جمعیت جهان

معرفی و تحلیل تجربه ۱۶ کشور از نقاط مختلف جهان و با پیشینه تاریخی و هم چنین نظام‌های متفاوت اقتصادی برای شناخت سیر توسعه اقتصادی آنها اختصاص دارد. مرور بر راهکارهای این کشورها نشان می‌دهد که آنها در فرآیند توسعه خود همواره از تجربه دیگر کشورها سوده برده و الگو برداری کرده‌اند.

کشورها به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آرژانتین، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، تایلند، ترکیه، چین، ژاپن، سریلانکا، سنگاپور، کره جنوبی، کرواسی، فیلیپین، مالزی، هندوستان و هنگ کنگ. طبقه‌بندی راه‌کارهایی که این کشورها انتخاب و برای توسعه صنعتی خود به کار برده‌اند نشان می‌دهد که بسیاری از راه کارها کاملاً مشابه هستند.

کشور ما علیرغم نظریه پردازی‌های کاملاً مایوس‌کننده و نابخردانه دارای ظرفیت‌ها و پتانسل‌های بسیاری است که باید همکاری‌های جوامع جهانی را نسبت به یکدیگر باور کند و به چارچوب نظام‌هایی که در سایه همکاری‌ها و تفاهات بین دول شکل گرفته است پایبند گردد. عقل و دانش و استدلال را در سیاست‌ها و تصمیمات خود به کار گیرد و از دریچه واقعیت‌ها به آرمان‌ها و جهان پیرامون بنگرد و از فرصت‌های آن به خوبی بهره‌برداری نماید. اگر مجموعه راه‌کارهای کشورهای برگزیده را جمع‌بندی و خلاصه کنیم به نقاط مشترک به شرح ذیل می‌رسیم:

● با اینکه غالب کشورهای انتخاب شده (به استثنای معدودی از آنها) سابقه استعمارزدگی داشته‌اند معیناً در رویکرد جدید، روش و سیاست همکاری و ایجاد رابطه مثبت با تمام مالک از جمله ممالک استعماری سابق (مانند انگلستان، هلند، بلژیک، ژاپن و ...) را در پیش گرفته و سازش را بر مخاصمه و دشمنی و عداوت ترجیح داده‌اند به عبارت دیگر از ایجاد یک دشمن -

دشمن فرضی - و مبارزه با آن احتراز کرده‌اند. با همه کشورها رابطه‌ای تنگاتنگ در تمام زمینه‌های تجاری، صنعتی، تکنولوژیکی و حتی آموزشی برقرار ساخته‌اند.

- سیاست متمرکز در اداره امور به تدریج به سیاست‌های عدم تمرکز تغییر یافته است.
- دخالت دولت‌ها در ابتدا تصدی‌گری در اقتصاد بوده و سپس به تدریج از میزان آن کاسته شده و به برنامه‌ریزی و نظارت محدود شده است.
- فرآیند خصوصی‌سازی را با جدیت دنبال کرده و یا با واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و برطرف ساختن موانع آن این هدف را تا پایان دنبال کرده‌اند.
- در دوره بازسازی اقتصاد، اعمال یک سلسله محدودیت‌های ریاضت‌کشانه از قبیل کاهش مصرف دیده می‌شود.
- توسعه صادرات صنعتی با اعطای جایزه و معافیت‌های مالیاتی و سایر کمک‌های مالی از شاخص‌های عمده سیاست‌گذاری‌های نگاه به بیرون بوده است.
- اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به معنای واقعی آن مورد تائید و حمایت قرار گرفته.
- تشکل‌های صنعتی و صنفی به عنوان بازوهای اجرایی توسعه شناخته شده و در سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها مشارکت داده شده‌اند.
- کاهش نرخ تورم از درصدهای بسیار بالا به تورم یک رقمی موجب کاهش هزینه‌های تولید شده و درجه رقابت‌پذیری فرآورده‌های صنعتی را افزایش داده است.
- در بیشتر کشورهای مورد مطالعه صنعتی کردن کشور بر مبنای مزیت‌های نسبی، فرصت‌های رقابتی، ارتقای کیفیت و رعایت اولویت‌های اساسی به عنوان محور توسعه انتخاب شده‌اند.
- بخش کشاورزی همواره در جهت سیاست‌های صنعتی کردن حرکت کرده و از امکانات آن سود جسته است.

- تاکید بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سطوح میانی و عالی نیل به باسوادی عمومی تا ۹۷ درصد جمعیت، در بعضی از کشورها همواره به عنوان الزامات توسعه تلقی گشته و به تولید مهارت‌هایی پرداخته است که تقاضای آنها از سوی سه بخش اقتصاد به آموزش ارائه شده است.
- کشورها در تعداد قابل توجهی از اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عضویت یافته‌اند و در اولین فرصت به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده‌اند.
- اصلاح نظام‌های سرمایه‌گذاری خارجی، پولی (بانکی) و مالی (مالیاتی)، گسترش بازار سرمایه و بازار ارز و حرکت به طرف بانک جامع (یونیورسال) و بانک‌های تخصصی، نظام بیمه خصوصی (باتاکید بر بیمه صادرات) اصلاح نظام آموزشی، نظام اداری با هدف پاسخگو بودن و مسئول بودن، سرعت و کاهش بوروکراسی، اصلاح نظام ارزی و حرکت از شیوه ارز مدیریت شده تا ارز آزاد، اصلاح نظام سیاسی به عنوان پشتیبان نظام اقتصادی با تاکید بر استراتژی فعال از اقداماتی بوده است که در غالب کشورها به تدریج در اولویت اقدامات قرار گرفته و به فضا سازی مطلوب برای سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) انجامیده است.
- مقررات‌زدایی برای اصلاح قوانین مزاحم توسعه، به این کشورها کمک کرده است.
- کمک به نهادسازی با هدف صرفاً تسهیل نیازهای بخش تولید در زمینه ایجاد صندوق‌های تضمین صادرات، شرکت‌های صادراتی، تاسیس انیستیتوهای علمی و مطالعاتی، دفتر توسعه صادرات از دیگر راه‌کارهای این کشورها بوده است.
- ایجاد تراز بازرگانی خارجی مثبت و ایجاد تعادل منطقی در واردات و صادرات ساختار صادراتی این کشورها را تشکیل داده است.
- ایجاد مناطق صنعتی و توسعه آنها در نقاطی که آمادگی و زمینه صنعتی شدن را دارند.
- احترام به حق مالکیت به عنوان یک اصل غیرقابل تغییر در قوانین اساسی و دیگر قوانین کشورها مورد تاکید فراوان قرار گرفته و تجاوز و تخطی از آن مستحق مجازات‌های شدید دانسته شده است.

- سیاست حمایت از صنعت از واحدهای کوچک و بزرگ به صورت توأمان اعمال گشته است.
- کارآفرینان و مدیران صنعتی غالباً در طراحی سیاست‌های صنعتی مشارکت داده شده‌اند.
- کشورها غالباً با دسترسی به دریا‌های آزاد از این مزیت برای توسعه تجارت خود سود برده و با ایجاد امکانات در نقاط و کرانه‌های ساحلی به روانسازی مبادلات تجاری پرداخته‌اند.
- در بخش تنظیم و اجرای قوانین و مسائل حقوقی اقداماتی در زمینه بازنگری قوانین، رفع تناقض‌ها و به هنگام‌سازی آنها، ساده سازی، ایجاد دادگاه‌های خاص برای جرایم اقتصادی، تاکید بر عدالت در داوری‌های قضایی و پرهیز از گرایش‌های سیاسی، دقت در انتخاب قضات، لغو مراجع و دادگاه‌های اختصاصی و احترام به محوریت قوه قضاییه در مراجعات قضایی، حفظ استقلال قوه قضاییه، اقدامات مؤثری صورت داده‌اند.
- تاکید ویژه بر انتقال، بومی‌سازی و تولید تکنولوژی و نوآوری‌های صنعتی و علمی از راه‌کارهایی بوده است که کشورها را با دانش و فنون امروزی به هنگام ساخته است.
- همه کشورها در طی سی سال دوره اجرای سیاست‌های توسعه‌ای بهبود بهره‌وری را به عنوان یکی از الزامات رشد تلقی کرده و در جهت کارآمد کردن و بهره‌ور ساختن نیروی انسانی، سرمایه و ماشین‌آلات انواع روش‌ها علمی و تجربی را به کار بسته‌اند به ترتیبی که سطح بهره‌وری طی این مدت به چند برابر گذشته رسیده است.
- کشورها اصل تقسیم کار جهانی را پذیرفته‌اند و بخشی از امکانات خود را در اختیار این فرآیند گذارده‌اند، پردازش محصولات خارجی و بسته‌بندی جدید به عنوان یک راه کار صادراتی مورد عمل بعضی از کشورهای منتخب قرار گرفته است.

ملاعی که در تهیه " چرا به توسعه مطلوبمان نمی رسیم؟" مورد استفاده قرار گرفته است:

- بررسی و تحلیل و انتخاب راه کارهای توسعه صنعت کشور - پژوهشکده صنعتگر
- برخی از بررسی‌های بانک جهانی - بانک جهانی
- مشکلات اقتصادی کشور و راه‌حل‌ها به بهانه بحث پیرامون قیمت طلا و ارز - سازمان برنامه و بودجه .
- نگاهی به طرح مالکیت فراگیر به عنوان ابزاری برای فقرزدایی گسترش عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی - اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران

همایش چالش‌ها و راهکارهای نوسازی صنایع ایران

مرداد ۱۳۸۲



سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران



انجمن نوسازی صنایع



خانه صنعت و معدن
استان تهران



شرکت نوسازی صنایع ایران



کنفدراسیون صنعت ایران



وزارت صنایع و معدن